

بررسی شرط اطاعت زوجه از زوج در امامت جماعت بانوان

سیده مریم بازیار^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ طلبه سطح چهار (دکتری) رشته تفسیر تطبیقی، حوزه علمیه خواهران جامعه النور، شیراز استان فارس، مدرّس، پژوهشگر و فعال فرهنگی
^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم
^۳ دانشجوی دکتری علوم و حدیث، دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر (نویسنده مسئول)

چکیده

با توجه به این که تعداد کثیری از افراد جامعه را بانوان تشکیل می‌دهند و این خیل عظیم جمعیت بعضاً به عنوان همسر، مادر، دختر خانواده در رشد و تعالی سایر افراد جامعه نقش کلیدی ایفا می‌کنند. بنابراین باید به بحث آموزش دینی، تربیت اهمیت داد. یکی از راه های تعالی معنوی و ایمانی افراد جامعه ترویج برخی امور مذهبی است. یکی از مباحثی که اسلام در بحث انسان سازی بر آن تاکید کرده، مساله اقامه نمازهای جماعت است. در سال های اخیر متولیات فرهنگی به برپایی نمازهای جماعت بانوان در اماکنی مانند مدارس اهتمام ویژه دارند. مشهور فقهای امامیه امامت جماعت زنان برای زنان را جایز دانسته اند لذا لازم است مقوله اذن همسر را نیز بررسی شود. با بررسی های اجمالی صورت گرفته مشخص شد چنان چه برپایی نماز جماعت موجب تضييع حق زوج و تصرف در مال وی بدون اذن او نباشد، جایز است و بانوان با طيب خاطر می‌توانند به این امر مستحبی اما مهم اهتمام داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: امام جماعت، تمکن، تصرف مالی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

دستورهای شرعی در عقاید، احکام و اخلاق که برای سعادت و دستیابی انسان به کمال فرستاده شده، اختصاص به فرد یا گروه خاصی ندارد، بلکه تمام انسان‌ها را در بر می‌گیرد. از این رو متعلق دستورهای دین، انسان مکلف است و هیچ ویژگی دیگری، نظیر جنسیت، سن، رنگ پوست و ... در آن مدخلیت ندارد، مگر موارد خاصی که در آن‌ها دلیلی وجود داشته باشد.

یکی از عبادات مستحبی که اختصاص به مردها ندارد شرکت در نماز جماعت و اقامه آن است. اگر چه امام جماعت بودن زن رای زن تاکنون در عمل، خیلی کم‌رنگ واقع شده، اما اقامه جماعت زن‌ها در عصر کنونی با ویژگی‌هایی که دارد، می‌تواند نقش و آثار بسیار مثبتی داشته باشد.

یکی از عبادات مستحبی که به مردها اختصاص ندارد، شرکت در نماز جماعت و اقامه آن است. اگر چه امام جماعت بودن زن برای زن و حضور جدی خانم‌ها در جامعه و نقش آن‌ها در رشد و کمال معنوی اجتماع، ضرورت حضور آن‌ها در نماز جماعت به ویژه اقامه جماعت به صورت مستقل و طرح نیازهای روحی و اخلاقی زن را در عصر کنونی، می‌طلبد.

مساله حضور بانوان در این عرصه فرهنگی و مهم اجتماعی از یک سو مهم به نظر می‌رسد و از سوی دیگر حضور فعال و با نشاط زن در خانه و انجام فعالیت‌های مربوط به خانه و همسراری از سوی دیگر شاید در برخی مواقع این دو امر مهم با هم در تعارض باشند و حضور در یک عرصه موجب تضییع امر دیگر شود. در این مقاله سعی بر این است در ابتدا بحث امام جماعت بانوان مورد تحلیل قرار گرفته و در مرحله بعد این امر فرهنگی مهم را با مبحث تمکین زوجه از زوج و حق همسری وی از دیدگاه علما و فقها مورد بررسی واقع شده و نظر مختار ارائه شود.

۱- امام جماعت بانوان

در رابطه نماز جماعت بانوان بین فقهای شیعه و اهل سنت نظراتی بیان شده است که می‌توان آن را در دو حیطه مورد بررسی قرار داد:

الف) جماعت بانوان برای مردان

در این رابطه که یک زن می‌تواند برای مردان و زنان یا مردان به تنهایی امام جماعت قرار گیرد یا خیر؟ بالاتفاق علما شیعه و اهل سنت، این را جایز نمی‌دانند. از جمله صاحب جواهر می‌گوید:

يشترط في الإمام الذكورة إذا كان المأموم ذكرا أو ذكرا وأنا فلا يجوز إمامة المرأة لهم بلا خلاف أجد فيه نقلا وتحصيلا، بل في الخلاف والمنتهي والتذكرة والذكري والروض وعن غيرها الإجماع عليه، لأصالة عدم سقوط القراءة. در امامت نماز جماعت، هنگامی که مأمومین مرد و یا مرد و زن باشند، مرد بودن شرط است. در این مسأله اختلافی وجود ندارد. نقلا و تحصيلا اختلافی نیست، نه اختلافی نقل شده و نه خود به آن دست یافته‌ام، بلکه در کتاب تذکره، منتهی، ذکری، روض الجنان و دیگر کتاب‌های فقهی، اجماع فقها بر این مسأله نقل شده است.

علامه حلی نیز در کتاب المعتمر اظهار می‌کند که عدم جواز اقتدای مرد به زن مورد اتفاق است زیرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «أخروهنَّ من حیث أخروهنَّ الله؛ زنان را از همان جهتی که موخر داشته، موخر بدارید.» و برای این که زن موظب به رعایت حیا و دور ماندن از دید مردان است در حالی که امامت برای مردان اقتضای ظاهر شدن دارد.

عبدالرحمن الجزیری، فقیه و عالم مصری معتقد است: از شرایط امامت جماعت مرد بودن است و امامت بانوان برای مردان صحیح نیست اما زن می‌تواند امام جماعت برای زنان یا افراد خنثی شود. هم‌چنین سالم العمرانی صاحب کتاب البیان: امامت زن برای مرد و برای خنثی جایز نیست و این نظر مورد اتفاق فقها است. اگر مرد درحالی که نمی‌داند پشت سر زن نماز بخواند بعد از علم پیدا کردن، نماز خود را اعاده کند. اما طبری امامت زن برای مرد در نماز تراویح را جایز می‌داند زمانی که قاری غیر از او نباشد و باید پشت سر مردان بایستد. سالم العمرانی برای سخن خود به حدیثی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) استناد کرده که فرمود: «لا تومَّ إمرأه رجلاً»

۴

ب) امام جماعت زن برای زنان

در بحث امام جماعت بانوان برای دیگر زنان بین علما و فقها اختلافاتی وجود دارد در ادامه این مبحث را از دیدگاه فقهایی امامیه تحت دو عنوان مورد بررسی قرار داده می‌شود.

برخی فقها امام جماعت بانوان را قبول دارند اما بر اساس ادله‌ای که پذیرفته‌اند معتقدند زنان در نمازهای جماعت مستحبی می‌توانند امام جماعت باشند اما در نمازهای واجب جایز نیست. این دیدگاه را برخی فقها از جمله نراقی در کتاب مستند الشیعه این نظر را پذیرفته است. هم‌چنین ابن ادریس حلی نقل می‌کند که سید مرتضی این نظر را قبول کرده و در کتاب جواهرالکلام آمده که سید مرتضی علم الهدی و جعفری منع کرده‌اند امامت زنان در فرایض را ولی در نوافل حکم به جواز داده‌اند.

۷

۲- نجم اللزب هذیل ج ۱ المعتمد فی شرح المختص ج ۱ قم مؤسسه سلیمانیه ۴۰۷ ۱۰۱ ق ص ۳۳۸

۳- عبد الرحمن الجزیری الفقه علی المذهب لآل ارباب ج ۱ بیوت دارالکتب العلمیه ۴۲۴ ۱۰۱ ق ص ۲۲۲

۴- سلم العمویة واد الحسین الشافعی البیان فی مذهب الشافعی ج ۱ بیوت دارالمنهاج بی ۱ ص ۲۹۸

۵- مؤید احمد رزقی مستند الشیعه ج ۱ قم مؤسسه آل‌التبید علیهم السلام لاجلء لکث ص ۳۷

۶- راد تاسری ج ۱ السیرة الحلیة لتحریر الفتنی ج ۱ قم مؤسسه النشر الاسلامی ۴۱۰ ۱۰۱ ق ص ۲۸۱

۷- محمّد حنیف نجفی ج ۱ فی شرح الکام فی شرح لاسلام ج ۱۳ هفت بیوت دارالکتب العلمیه ۳۶۲ ۱۰۱ ق ص ۳۳۸

این فقها برای دیدگاهی که اتخاذ کرده‌اند دلایلی ارائه می‌دهند. از مهم‌ترین دلایل قائلان به این دیدگاه استناد به صحاحی است که از هشام بن سالم، حلبی و سلیمان بن خالد با تعبیر «تؤمهنّ فی النافله ولا تؤمهنّ فی المكتوبه» از امام صادق ۸ نقل شده است. علاوه بر این روایت صحیح زراره از امام باقر ۸ «المرأه تؤم النساء، قال: لا إلا علی المیت» که امام جماعت بانوان را فقط در نماز میت جایز می‌داند.

روایات مذکوره از نظر سندی مشکلی ندارند چون همگی از روایانی نقل شده که فقهای امامیه آنها را ثقّه می‌دانند. اما نیاز است نظرات فقهای امامیه در رابطه با پذیرش یا عدم قبول این دیدگاه مورد بررسی قرار داد. برخی فقها از جمله محقق حلی در المعتمد معتقد است به این دلیل که به آن عمل نشده پس نادر هستند. ایراد دیگری که می‌توان از متن روایت گرفت این است که، در برخی روایات وارده گفته شده «لجماعه فی النافله» روایاتی که به بحث نوافل پرداخته دو دسته هستند که برخی عدم جواز جماعه در نوافل ماه رمضان از آن برداشت می‌شود و برخی روایات به صورت مطلق گفته شده است که خود بحث طولانی است. بنابراین اکثر فقهای شیعه جماعت نافله را رد کرده و فقط در برخی نمازها مانند استثناء و ... جایز می‌دانند. بنابراین اعراض اصحاب از این روایات و رد آنها هم‌چنین بنا بر گفته برخی فقها، اصول مذهب حکم می‌کند از ظاهر روایات اعراض شود. ابن ادریس حلی قول به جواز امامت جماعت فرائض بانوان از اصول مذهب است و علامه حلی این دیدگاه را دیدگاه مشهور فقها می‌داند. علاوه بر مطالب ذکر شده برخی برای پذیرش قول مشهور به روایت ام ورقه از نبی اکرم صلی الله علیه و آله امر ام ورقه بنت عبد الله بن الحارث بن نوفل أن تؤمّ أهل دارها، و كان صلی الله علیه و آله یزورها و جعل لها مؤذنا^۱ استناد می‌کنند.

۸- محله ن: حین طویع الاستیصال رفیع المختار، لاخیر، ج ۱، ص ۳۹۰، ق ۱ ص ۳۳۷ و

محله ن: علی بابویه، لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۳، ق ۴۱۳، ص ۲۹۶

۹- محله ن: علی بابویه، هفا کتب ج ۴، ص ۲۹۷

۱- نجم اللین: سعید هری، حلی المعتمد فی شرح المختصر، ج ۴، ص ۴۰۷، ق ۳۳۷

۱- محله حین: حلی، هفا کتب ج ۳، ص ۳۳۹

۱- باب دسره: حلی، هفا کتب ج ۴، ص ۴۸۱

۱- حین ن: یوسف حلی، المغتله الشیه، ج ۲، ص ۴۱۳، ق ۵۹

۱- محله ن: مکی علیا (شهید لوی)، فقه الشیه فی حکم الشریع، ج ۴، ص ۴۰۷، ق ۵۹

۱۴۱۹، ص ۲۷۵

با توجه به توضیحات داده شده در بنای این نوشتار بر پذیرش قول مشهور که قائل به جواز امامت بانوان به صورت مطلق است. مبحث بعدی که نیاز است بررسی شود بحث تمکین زوجه از زوج به خصوص در بحث خروج از منزل برای انجام اموری مانند اقامه نماز جماعت به عنوان امام جماعت است.

برای این که زن به عنوان امام، اقامه جماعت کند از دو حال بیرون نیست یا این امر مستلزم خروج از منزل است یا برپایی نماز جماعت در منزل است. در حالت اول نیاز به اذن شوهر برای خروج از منزل دارد و در حالت دوم تصرف در مال غیر است که لازم است این مبحث در هر دو حالت از لحاظ فقهی مورد بررسی قرار گیرد.

۲- بررسی لزوم اطاعت زوجه از زوج جهت خروج از منزل

مشهور فقهای امامیه معتقدند خروج زن بدون اذن شوهر در غیر انجام واجب، به هیچ عنوان جایز نیست، اگر چه خروج وی منافاتی با کامجویی شوهر نداشته باشد. حتی رفتن به عیادت پدر و مادر مرض، حاضر شدن بر جنازه و شرکت در مجلس عزای آن‌ها بدون اذن شوهر جایز نمی‌باشد. این فقها برای اثبات نظر خود دلایلی را مطرح کرده که برخی در ادامه بررسی می‌شود. از جمله:

الف) آیه قرآن

ذیل ۳۴ سوره نساء «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...» محقق مقدس اردبیلی می‌فرماید: مردان نسبت به امور زنان قیام می‌نمایند همانند سیطره والیبر رعیت بر آن‌ها تسلط دارند. هم‌چنین فاضل مقداد ولایت داشتن مردان بر زنان و سیاست و امر و نهی زنان با مردان می‌داند. بر اساس دیدگاه یاد شده مقصود از «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ» تسلط و سیطره بی قید و شرط مردان بر زنان است زنان باید تحت فرمان مردان زندگی نمایند در نتیجه حتی اختیار خروج از منزل ندارند.

نقد: قوامیت مردان بر زنان به این معنی نیست که اراده و تصرف زن نسبت به ملکش نافذ نباشد یا آن که زن در حفظ حقوق فردی و اجتماعی خود استقلال نداشته باشد؛ بل که معنایش این است که مرد به خاطر اینکه در مقابل استمتاع از زن، انفاق مالی می‌کند، بر زن است که از او هنگام حضورش در مورد هر آنچه که مربوط به استمتاع و آمیزش است اطاعت نماید. بنابراین مربوط به بحث اذن شوهر در خروج از منزل نیست.

ب) روایات

۱- محمدرضا زین العابدین، زیاده البینا، فی ردیه الحکم القوانین، ج ۱، ص ۴۰۰، مؤسسه ص ۵۳۶

۱- جلال الدین، بحار الشریعه، ج ۱، ص ۲۱۱، مؤسسه ص ۲۱۱

۱- محمدرضا زین العابدین، زیاده البینا، فی تفسیر القوانین، ج ۱، ص ۴۰۰، مؤسسه لایعلم للمطبوعات، ۱۳۹۰هـ ق، ص ۲۳۳

روایت اول: «جاءت امرأة إلى النبي ﷺ فقالت يا رسول الله ما حق الزوج على المرأة فقال لها أن تطيعه و لا تعصيه و لا تصدق من بيته إلا بإذنه و لا تصوم تطوعاً إلا بإذنه... و لا تخرج من بيتها إلا بإذنه و إن خرجت من بيتها بغير إذنه لعنتها ملائكة السماء و ملائكة الأرض و ملائكة الغضب و ملائكة الرحمة حتى ترجع إلى بيتها...» طبق این روایت زن بدون اذن شوهر نمی تواند روزه مستحبی بگیرد و از منزل خارج شود و در صورت خروج بدون اذن مورد غضب و لعن فرشتگان زمین و آسمان قرار می گیرد.

نقد: اشکال مهم این حدیث آن است که از نظر سند ضعیف است و قابل استناد نیست زیرا در سلسله سند آن محمد بن احمد جامورانی، علی بن ابی حمزه بطائنی و عمرو بن جبیر عزمی قرار دارند که هم ه آن ها ضعیف هستند؛ چرا که در مورد جامورانی از سوی دانشمندان علم رجال توثیقی وارد نشده است، نه توثیق خاص و نه توثیق عام.

روایت دوم:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنْ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص - خَرَجَ فِي بَعْضِ حَوَائِجِهِ فَعَهَدَ إِلَى امْرَأَتِهِ عَهْدًا أَنْ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا حَتَّى يَقْدَمَ قَالَ وَ إِنْ أَبَاهَا قَدْ مَرَضَ فَبَعَثَتِ الْمَرْأَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص - تَسْتَأْذِنُهُ أَنْ تَعُوذَهُ فَقَالَ لَا اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَ أَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَتَقَلَّ فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ ثَانِيًا بِذَلِكَ فَقَالَ اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَ أَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَمَاتَ أَبُوهَا فَبَعَثَتْ إِلَيْهِ أَنْ أَبِي قَدْ مَاتَ فَتَأْمُرْنِي أَنْ أَصَلِّيَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَا اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَ أَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَدَفِنَ الرَّجُلُ فَبَعَثَتْ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ ص - أَنْ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَ لِأَبِيكَ بِطَاعَتِكَ لِزَوْجِكَ.

این روایت که مربوط به زنی است که شوهر او در سفر است و به او اجازه خروج از منزل نداده و زن برای سرکشی از پدر بیمار خود که بعد فوت می کند از رسول خدا ع اجازه خروج از منزل می گیرد و در هر چند مرتبه ایشان به وی اجازه نمی دهد.

این روایت از نظر سند و دلالت مشکلی ندارد و به مدعای مشهور دلالت دارد اما برخی همچون محمد مهدی شمس الدین این را یک حکم کلی عام برای همه نمی داند بلکه معتقد است یک حکم خاص برای یک فرد بخصوص بوده است.

برخی در مقابل قول مشهور، دیدگاهی را پذیرفته و معتقدند: در صورتی که خروج از منزل منافاتی با حق تمتع همسر نداشته باشد بنابر اصل، اصالة الاباحه، قاعده نفی حرج و با استناد به آیه ۲۳۱ سوره بقره و ۲ سوره طلاق، زن می تواند بدون اذن همسر از خانه خارج شود.

۱- محمّد بن یعقوب بن یحیی کلینی الکافی ج ۵ ص ۵۷ م توه نا ط ر لکت الاسلامیه ۴۰۷ ه ق ص ۵۷

۱- محمّد بن علی اربیع جمع الوه ج ۲ ص ۴۰۳ مکتب المرعشی النجفی ۴۰۳ ه ق ص ۴۱

۲- محمّد بن حنیف حرعلی وسلاطین الشیخ ج ۲ ص ۵۰ ل موسسه لآلئید علیهم السلام ۴۰۳ ه ق ص ۱۷۵

۲- محمّد مهمل شیخ اللیث حریری فی فقه الوه ج ۲ ص ۳۰ ل بیروت موسسه الدلیله لملات و النش ۹۳

جمع بندی مبحث خروج از منزل

اگر زن در ضمن عقد نکاح شرط کند که برای انجام برخی فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و ... اجازه خروج داشته باشد هم-چنین اگر شرط کند که شغل خارج از منزل داشته باشد یا در زمان عقد شاغل باشد و مرد مخالفتی نداشته بنابر نظر مشهور فقهای امامیه زن بدون اذن شوهر می‌تواند از منزل خارج شود. علاوه بر این فقهای امامیه بر این مسأله که زن برای انجام فعل واجب مانند یادگیری احکام واجب، انجام مناسک حجی که بر وی واجب شده می‌تواند بدون اذن، از خانه خارج شود. هم-چنین بنابر نظر برخی از فقها در صورتی که خروج از منزل منافاتی با حق تمتع مرد نداشته باشد، بدون اذن می‌تواند از منزل خارج شود.

در نتیجه زن برای برپایی نماز جماعت برای دیگر بانوان در صورتی که خروج او با حق تمتع مرد منافاتی نداشته باشد، بدون اذن وی از منزل خارج شود.

لازم به ذکر است مسأله جواز یا عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، در صورت عدم منافات با حق استمتاع شوهر، مربوط به شرایط عادی است؛ بنابراین هر گاه خروج زن از منزل از نظر زمان یا مکان یا شرایط دیگر به گونه‌ای باشد که عفت او را تهدید نماید یا آن‌که مفاسد دیگری داشته باشد، شوهر حق دارد به عنوان سرپرست خانواده از بیرون رفتن او جلوگیری نماید، زیرا سرپرستی خانواده با شوهر است و مقام سرپرستی اقتضا دارد در مواردی که حفظ نظام خانواده و حراست از عفت زن اقتضا کند برای وی محدودیت‌هایی منظور نماید.

۳- تصرف در ملکیت غیر

حالت دومی که برای برپایی امام جماعت زن فرض شد، زمانی است که زن بخواهد بدون خروج از منزل در خانه برای دیگر زنان نماز جماعت اقامه نماید. در این حالت این سوال مطرح می‌شود که از لحاظ شرعی اجازه هم‌چنین کاری دارد یا خیر؟

مبحث شرطیت اذن همسر برای اقامه نماز جماعت در منزل به صورت مجزا در کتاب‌های فقهی مطرح نشده است اما می‌توان ذیل برخی مسائل به آن پرداخت. در این نوشتار این بحث را تحت عنوان تصرفات مالی زنان تحلیل می‌شود.

روایت آمده که زن بدون اذن همسر نمی‌تواند از مال وی صدقه و هبه و ... دهد. «ابن محبوب عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله ع قال: ليس للمرأة أمر مع زوجها في عتق و لا صدقة و لا تدبير و لا هبة و لا نذر في مالها إلا بإذن زوجها إلا في زكاة أو برّ والديها أو صلة قرابتها»^۴

۲- نزهة العابدین: نجف، خواجه زملی و اذ شوهر از منظر فقه امامیه شد و هم مجله فقه و میاز حقّی اسلام

۱۳۹۱ هـ ش، ص ۱۱۹-۱۱۸.

۲- محله حنفی: نجف، حقه هفتا کتب ج ۳ ص ۳۴

۲- محله ن: یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، دارالکتب الاسلامیه، ۲۰۰۷ هـ ق، ص ۵۴

روایت دیگر چنین است: عن جابر بن یزید الجعفی قال: سمعت ابا جعفر محمد بن علی الباقر ۸ «... لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ فِي مَالِهَا عِتْقٌ وَلَا بِرِّ إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا وَلَا يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا...»

روایت سوم: عن جمیل بن دراج عن بعض اصحابنا فی المراه تهب من مالها بغیر اذن زوجها؟ قال: «لیس لها»

در مورد روایات وارد در زمینه تصرفات مالی زوجه باید بگوییم حدیث اول صحیح السند است و در کتب فقهی اربعه نقل شده اما حدیث دوم به جهت وجود جعفر بن عماره در سند مورد ایراد است و حدیث سوم به دلیل مرسله و مضمهر بودن از اعتبار ساقط است. پس تنها می توان به حدیث اول استناد کرد.

لسان این روایات لزوم استیذان از زوج را به ذهن متبادر می کند. اما می توان نهی را حمل بر کراهت یا جلب موافقت شوهر ولو در حد مطلع شدن زوج از فعل زوجه و عدم نهی از انجام آن دانست. در واقع باید گفت عدم نهی زوج در جایی که حق برای او ثابت است یکی از مصادیق اذن او محسوب می شود.

زمانی که برای تصرف زوجه در اموال خود برای انجام برخی اعمال عبادی مثل صدقه، هبه، روزه مستحبی و ... است به طریق اولی برپایی مجالس اقامه نماز جماعت حتی مراسم های مذهبی به دلیل این که هم تصرف در ملک زوج است و هم ممکن است باعث مزاحمت برای وی شود، باید زوجه رضایت زوج را کسب کند و اجازه برپایی نماز جماعت در ملک زوج ندارد چه خود امام جماعت باشد و چه ماموم باشد.

نتیجه

در ارتباط با امامت جماعت زن دو دیدگاه کلی وجود دارد. چنانچه مامومین زن و مرد باشند زن جواز به اقامه جماعت ندارد و نمی تواند امام باشد اما اگر همه مامومین زن باشند این جواز وجود دارد اما بین جواز مطلق در همه نمازها و تفصیل در نماز نوافل و فرائض اختلاف است و برخی فقط در نمازهای نافله اذن داده اند. مبحث بعدی که در این نوشتار بررسی شد بحث خروج زن از منزل برای برپایی نماز جماعت بود. نظر مشهور برای خروج زن بود که زن فقط در امور واجب می تواند بدون اذن خارج شود ولی نظر مختار این نوشتار این بود در صورتی که خروج منافات با حق تمتع مرد نداشته و مستلزم مفسده نباشد، اشکال ندارد.

بنابراین زن می تواند به عنوان امام بانوان، اقامه جماعت کند. مگر این که خروج وی از این برپایی جماعت موجب تزییع حق شوهر و تصرف در مال وی بدون رضایت وی باشد.

۲- محمدرضا بن حنفی، ج علیها وسلا، الشیخ ج ۵ ص ۲۲۲

۲- هفتا ص ۲۴۰

فهرست منابع:

۱. نجم الدین، هذلی حلی، المعتبر فی شرح المختصر، ج ۲، قم: موسسه سید الشهداء، ۱۴۰۷ ه ق.
۲. عبد الرحمن، الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ه ق.
۳. سالم العمرانی، ابو الحسین الشافعی الیمنی، البیان فی مذهب الشافعی، ج ۲، بی جا: دار المنهاج، بی تا.
۴. مولی احمد، نراقی، مستند الشیعہ، ج ۸، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، بی تا.
۵. ابن ادريس، حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۱، دوم، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ه ق.
۶. محمد حسن، نجفی جواهری، جواهر الکلام فی شرائع الاسلام، ج ۱۳، هفتم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ ه ش.
۷. محمد بن حسن، طوسی، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ج ۱، اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ه ق.
۸. محمد بن علی، ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ه ق، ۱۴۱۳ ه ق.
۹. نجم الدین بن سعید، هزلی حلی، المعتبر فی شرح المختصر، ج ۲، اول، قم: موسسه سید الشهداء، ۱۴۰۷ ه ق.
۱۰. حسن بن یوسف، حلی، المختلف الشیعہ، ج ۳، اول، قم: موسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ه ق.
۱۱. محمد بن مکی، عاملی (شهید اول)، ذکر الشیعہ فی احکام الشریعہ، ج ۴، اول، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۹ ه ق.
۱۲. احمد بن محمد، اردبیلی، زبده البیان فی براهین احکام القرآن، ج ۱، دوم، قم: مومنین.
۱۳. جمال الدین بن عبدالله سیوری، فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۲، پنجم، تهران: مرتضوی.
۱۴. محمد حسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، دوم، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ه ق.
۱۵. محمد بن یعقوب بن اسحاق، کلینی، الکافی، ج ۵، چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه ق.
۱۶. محمد بن علی، اردبیلی، جامع الرواه، ج ۲، قم: مکتبه المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ه ق.
۱۷. محمد بن حسن، حر عاملی، وسایل الشیعہ، ج ۲۰، اول، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۳ ه ق.
۱۸. محمد مهدی، شمس الدین، حرجه فی فقه المرآه، ج ۳، اول، بیروت: موسسه الدلیه للدراسات و النشر.
۱۹. زین العابدین، نجفی، خروج از منزل و اذن شوهر از منظر فقه امامیه، شماره دوم، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱۳۹۱ ه ش.